

الزهر در راه تقرب



هر چند دانشگاه یا جامعه الزهر در اصل تکوین و تأسیس خویش معهدی شیعی بود الزهراء نام که توسط خلفای شیعی فاطمی بناء نهاده شده بود و محلی بود برای کسب مهارت های فقهی و کلامی شیعی اما استمرار آن در عهد حکومت ایوبیان که انصار و ابناء صلاح الدین ایوبی، سردار موفق گرد بودند، ماهیتی سنی یافت و این حقیقتی شد تاریخی...

هر چند دانشگاه یا جامعه الزهر در اصل تکوین و تأسیس خویش معهدی شیعی بود الزهراء نام که توسط خلفای شیعی فاطمی بناء نهاده شده بود و محلی بود برای کسب مهارت های فقهی و کلامی شیعی اما استمرار آن در عهد حکومت ایوبیان که انصار و ابناء صلاح الدین ایوبی، سردار موفق گرد بودند، ماهیتی سنی یافت و این حقیقتی شد تاریخی. چرا که جامعه الزهر نهادی شد هویت بخش و تمایز آفرین که خلفای عباسی و پس از آن خلفای عثمانی بدان تکیه داشتند و البته حاکمان نیز خواسته های الزهر را برآورده می ساختند.

اهمیت الزهر آنگاه رو به فزونی نهاد که حکومتی شیعی در ایران نضج یافت و نبردی مذهبی درگرفت میان 2 امپراتوری و طبیعتا نقش علماء و فقهاء اهمیت فراوان می یافت در این میان. پس از فروپاشی عثمانی، الزهر رنگ دیگری به خود گرفت و تبدیل شد به مهم ترین مؤسسه مستقل فقهی اهل سنت در جهان اسلام.

تعصبات گذشته جای خویش را به انصاف و تحقیقات همه جانبه داد. این امر زمینه را برای درک عمیق تر و همدلانه تر الزهر از سایر مذاهب اسلامی فراهم آورد. در نتیجه نامه نگاری های فراوانی میان علمای الزهر و علمای شیعه روی داد که پیامد آن را باید در اختصاص کرسی شیعه شناسی و حتی فقه شیعی در الزهر دانست.

ادامه این روند در نهایت منجر به صدور فتوای مشهور شیخ الزهر محمود شلتوت در دهه 60 و 70 میلادی، به جواز تعبد و تقلید مذهب اهل بیت علیهم السلام شد و نیز تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به دست ایشان و مرجع شیعه آیه الله العظمی آقا حسین بروجردي. در این جستار که به مناسبت درگذشت شیخ الزهر، محمد سید طنطاوی در دهم مارس 2010 فراهم آمده است، تلاش می کنیم تا ضمن بررسی روندهای اخیر دانشگاه الزهر به پیشینه تقریب میان الزهر و حوزه علمیه شیعه بپردازیم. نخستین برخوردهای جدی و مناظره های ثمربخش علمای الزهر و علمای شیعی را باید نامه نگاری های علامه سید عبدالحسین شرف الدین و شیخ الزهر، عبدالمجید

سلیم البشیری دانست که بعدا در مجموعه ای به همین نام یعنی المراجعات (نامه نگاری ها) جمع آوری شد. تعداد این نامه ها در مجموع 112 عدد است که از ششم ذیقعد سال 1329 هجری قمری تا دوم جمادی الاول سال 1330 هجری قمری به طول انجامیده است. می توان با اطمینان ادعا کرد، نتیجه این اقدام، گذشته از عمق بخشی به تصور و برداشت هر یک از فریقین از یکدیگر، زمینه سازی برای تقریب بیشتر و از میان بردن نگاه تکفیری ناشی از جهل و تعصب، بوده است. شیخ عبدالمجید البشیری دو بار و در سال های 1950 تا 1952 ریاست الزهر را به عهده داشت که به خوبی می توان تأثیر این ارتباط را در نحوه اداره الزهر و رویکرد او به فقه و کلام شیعی مشاهده کرد.

پس از شیخ بشیری می توان ادامه این تأثیر را در عملکرد شیخ الزهری بعدی یعنی شیخ محمود شلتوت به مشاهده نشست؛ او عالمی منصف، خوش فکر و گسترده نظر بود که ریاست الزهر را در سال های 1958 تا 1963 بر عهده داشت. او نیز همچون سلف خویش، با مراجع شیعی هم عصر به خصوص آیه الله العظمی بروجردي، ارتباط وثیقی برقرار کرد. این ارتباطات و مکاتبات به صورت مشخص منجر به دو پدیده مبارک شد؛ نخست تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در قم و قاهره که محلی برای مباحث فقهی و کلامی شیعه و اهل سنت شد و دوم صدور فتوای معروف جواز تقلید مذهب اهل بیت علیهم السلام از سوی شیخ محمود شلتوت.

پس از شیخ محمود شلتوت، شیوخ فراوانی بر الزهر ریاست یافتند که تلاش کردند تا از شیوه تقریبی او منحرف نشوند. هر چند این دوره از تاریخ الزهر چند همگن و یکنواخت نیست و شاهد فراز و فرودهای فراوانی بوده است. بی تردید یکی از این دوره های حساس و البته جنجالی را باید دوره چهارده ساله اخیر دانست که چند روز پیش در دهم مارس 2010 با وفات شیخ طنطاوی به پایان رسید. ریاست این دوره تقریباً طولانی را دکتر شیخ محمد سید طنطاوی برعهده داشت.

او در سال 1928 در روستای سلیم شرقی در استان سوهاج مصر دیده به جهان گشود، در خردسالی به همراه پدر به اسکندریه مهاجرت کرد و به تعلم و حفظ قرآن پرداخت. پس از آن او به دانشگاه الزهر راه یافت و توانست تا دبیرستان و مراحل ابتدایی تحصیلات دانشگاهی را در رشته قرآن و حدیث با رتبه ممتاز به پایان برساند. در سال 1966 میلادی به درجه دکتری به همراه تقدیر ویژه در رشته حدیث و تفسیر قرآن کریم نایل شد و در دانشکده اصول دین دانشگاه الزهر به تدریس عقاید و تفسیر مشغول شد.

پس از مدتی برای تدریس در لیبی انتخاب شد و به مدت 4 سال در دانشگاه طرابلس به تدریس قرآن پرداخت. دانشگاه اسلامی مدینه منوره مقصد بعدی او برای تدریس بود. در این دانشگاه او علاوه بر تدریس، ریاست دانشکده درس عالی را نیز بر عهده گرفت. حضور او در مدینه تا سال 1986 که به مقام مفتی عام سرزمین مصر رسید، ادامه داشت. در این سال او به قاهره بازگشت و علاوه بر اشتغال مقام فتوا به تدریس در الزهر نیز مشغول شد. در آن زمان جاد الحق علی جاد الحق، ریاست الزهر را برعهده داشت که علاوه

بر سابقه قضاوت، مفتي عام بودن را نیز تجربه کرده بود.

مهم‌ترین و جنجالی‌ترین فتوای شیخ طنطاوی در مقام مفتي، تحریم سود بانکی برای سپرده‌های بانکی و سود بازپرداختی وام‌های بانکی بود که در سال 1989 مطرح شد. از نظر شیخ، این سود مصداق ربایی بود که در قرآن کریم حکم به تحریم آن شده است. شیخ طنطاوی، هرچند برای تعدیل یا لغو این فتوا تحت فشار حکومت و مجلس شورا بود اما هیچ‌گاه حاضر به عقب نشینی نشد. در سال 1996 و پس از وفات شیخ جاد الحق علی، او به ریاست عام دانشگاه الازهر رسید که تا پایان عمر او در هفته گذشته ادامه داشت. شاید بتوان با اطمینان این دوره چهارده ساله از حیات هشتاد و دو ساله شیخ طنطاوی را چالش برانگیزترین دوره عمر او به حساب آورد. او در این دوره تلاش کرد تا چهره‌ای معتدل از اسلام را به غرب عرضه کند. البته این تلاش‌ها معمولاً با پاسخ مناسبی از سوی واتیکان و محافل سیاسی و دینی غرب همراه نمی‌شد. این واکنش‌ها به‌خصوص پس از حادثه 11 سپتامبر 2001 در نیویورک و واشنگتن روند تیره‌تری به‌خود گرفت.

در سال 2003 و پیش از آغاز جنگ عراق، دانشگاه الازهر شاهد اختلافات درونی گسترده‌ای شد. چرا که رئیس گروه فتوای دانشگاه الازهر، شیخ‌علی‌ابوالحسن که از دوستان شیخ طنطاوی بود، به وجوب جهاد با نیروهای آمریکایی که قصد ورود به خاک عراق را داشتند حکم داد و اینکه خون سربازان آمریکایی و انگلیسی در این حالت یعنی تجاوز به خاک عراق حلال است و کشته شدگان مسلمان در هر حالتی شهید به شمار می‌روند.

این فتوا سبب شد تا شیخ الازهر که ناچار بود، سیاست‌های حکومت مصر را در بیان مواضع دانشگاه مد نظر قرار دهد، شیخ علی ابوالحسن را برکنار کند. البته این برکناری پایان اختلافات در الازهر نبود. در پایان آگوست سال 2003 شیخ طنطاوی، شیخ نبوی محمد العش را که خود به ریاست گروه فتوای دانشگاه منصوب کرده بود، پس از مدت کوتاهی برکنار کرد و او را برای تحقیق و ارائه توضیحات به کمیسیون تحقیق دانشگاه ارجاع داد. علت این حادثه فتوای معروف شیخ محمد العش درباره عدم مشروعیت شورای حکومت انتقالی عراق به ریاست پل‌برم و حرمت همکاری با آن بود که پس از اشغال عراق توسط نیروهای آمریکایی و انگلیسی تأسیس شده بود و در واقع نوعی حکومت نظامی انتقالی از سوی اشغالگران به شمار می‌رفت.

پس از انتقادات گسترده‌ای که از سوی محافل اسلامی و دانشجویی متوجه طنطاوی شد، شیخ الازهر در پاسخ به هجمه وسیع انتقادات این‌گونه عملکرد خود را توجیه کرد که فتوای صادر شده مأمور به مهر جمهوری عربی مصر و نشان الازهر است. درحالی‌که از سیاست الازهر که عدم دخالت مستقیم در سیاست است نشانی ندارد! البته این حادثه پایانی بر حوادث تلخ سال 2003 الازهر نبود. در پایان دسامبر این سال، سارکوزی که در آن زمان وزیر کشور دولت فرانسه بود با شیخ طنطاوی در قاهره دیدار کرد.

در پایان این دیدار و در جلسه مطبوعات شیخ مطالبی را بیان داشت که سبب انتقادات گسترده‌ای از سوی علماء و مردم شد. شیخ در این دیدار از قانون منع حجاب در دبیرستان‌های فرانسه دفاع کرد و صدور چنین قوانینی را از حقوق دولت فرانسه به شمار آورد. البته پس از سیل انتقادات، شیخ با آنکه با حمایت غیرمستقیم رئیس‌جمهوری مصر - محمد حسنی مبارک - روبه‌رو شده بود، این‌گونه سخنان خود را تعدیل کرد که قصد داشته است تا از این طریق جلوی بی‌سوادی دخترانی را که به سبب حجاب مجبور به ترک مدارس شده‌اند بگیرد.

در عین حال شیخ، سیاست تقریب شیخ محمود شلتوت را ادامه داد. تدریس فقه شیعه در عصر او نظم بیشتری یافت. برخی استادان حوزه قم و دانشگاه‌های ایران برای تدریس فقه به الازهر دعوت شدند و کتاب «قواعد فقهیه« آیه‌الله‌العظمی میرزا حسن موسوی بجنوردی (ره) به‌عنوان منبع فقه شیعی رسمیت یافت. چرا که اکثر قواعد فقهی مطرح در این کتاب مورد اتفاق فریقین است. شیخ در مصاحبه مفصلی که روزنامه الشرق الاوسط در دوم نوامبر سال 2006 با او سامان داده است با تفصیل بیشتری درباره مذهب اهل‌بیت به ابراز عقیده می‌پردازد.

او در پاسخ به سؤال مصاحبه‌کننده که از اختلافات مذهبی شیعه و سنی می‌پرسد، می‌گوید: «بارها گفته‌ام اختلاف سنی و شیعه در فروع دین است نه در اصول دین. چرا که هر کس شهادت دهد که خدایی جز خدای یکتا وجود ندارد و محمد رسول‌الله است، مسلمان است. ما تقریب میان مذاهب اسلامی را تأیید می‌کنیم و برای اینکه بدانید، می‌گویم دعوت به تقریب را الازهر دهه‌ها پیش آغاز کرده است و بر این باورم که زمان آن رسیده است که اهتمام‌کنندگان به شئون مسلمین این دعوت را پذیرا شوند تا وحدت مسلمانان حفظ شود. شعارهایی که مخالف دعوت به تقریب مذاهب اسلامی است بی‌گمان در پس خود انگیزه‌های طائفی و تعصب مذهبی دارد و منجر به انشقاق امت می‌شوند.« فراز و نشیب‌های زندگی شیخ البته به این موارد ختم نمی‌شود.

جنجال نقاب و پوشیه که شیخ آن را امری غیردینی و از باب عادات به شمار آورد و نیز مصافحه با رئیس‌جمهوری جنایتکار اسرائیل - شیمون پرز - در سال 2008 در حاشیه کنفرانس ادیان سازمان ملل در نیویورک که بعداً با این عنوان که شیخ او را نمی‌شناخته است توجیه شد، از دیگر حوادث سال‌های اخیر زندگی طنطاوی بود. هرچند این مصافحه یک بار دیگر در سال 2009 در کنفرانس ادیان قزاقستان تکرار شد و سبب موج انتقادهای گسترده از شیخ شد.

سرانجام شیخ محمد سید طنطاوی صبح چهارشنبه 24 ربیع‌الاول سال 1431 مطابق با 10 مارس 2010 به سبب ایست قلبی در ریاض وفات کرد. علت حضور او در ریاض، شرکت در اعطای جوایز مسابقه بین‌المللی تکریم خادمان اسلام، معروف به ملك فيصل بن عبدالعزيز بود.

همشهری آنلاین - سهند صادقی بهمنی

